

نشریه علمی فقه، حقوق و علوم جزا  
مقاله پژوهشی، سال هفتم، شماره ۲۳، بهار ۱۴۰۱، صفحات ۱ تا ۱۱  
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۱

## بررسی ارتباط میان حقوق بین الملل اقتصادی و تحول در توسعه پایدار

| **عسگر جلالیان** | دکتری حقوق بین الملل، عضو هیات علمی رسمی قطعی دانشگاه پیام نور تهران  
جنوب.

| **زهرا حسن پور\*** | کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه پیام نور عسلویه.

### چکیده

اندیشه توسعه پایدار سابقه چندانی در حقوق بین الملل ندارد. برای نخستین بار در سال ۱۹۸۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد «کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه» را تشکیل داد که در آن، سندی تأثیرگذار به نام آینده مشترک ما توسط گروه آلم برونتلند نخست وزیر نروژ، ارائه شد. این گزارش خواستار توسعه پایدار به عنوان مبنای هر فعالیت اقتصادی انسانی با تمرکز بر نگرانی جدی نسبت به محیط زیست و پیوند آن با تلاش برای بالابردن سطح زندگی فقرا در جهان بود. نتایج این مقاله نشان داد که توسعه پایدار، مفهومی است که نزدیک به سه دهه پیش، کمیسیون برونتلند آن را طرح کرد و اکنون در حوزه های مختلف حقوق بین الملل رسوخ نموده است. توسعه پایدار در فرآیندهای توسعه و از طریق تعامل میان سه بعد توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و توسعه زیست محیطی حقوق بین الملل توسعه را به سمت حقوق بین الملل توسعه پایدار رهنمون ساخته است.

**واژگان کلیدی:** حقوق بین المللی، توسعه پایدار، نظام حقوق خودبسنده، جامعه جهانی.

---

\* نویسنده مسئول

## مقدمه

امروزه کلیه کشورها به درجات مختلف با مساله توسعه مواجه بوده و یکی از اولویت ها و رسالت های عمده آنها تلاش برای نیل به توسعه می باشد. «توسعه در کنار دموکراسی و حقوق بشر یکی از ستون های سه گانه حقوق بین الملل می باشد» و اهمیت آن تا بدانجاست که در تقسیم بندی کشورهای جهان از معیار توسعه استفاده شده و کشورهای جهان به کشورهای توسعه یافته، در حال توسعه، کمتر توسعه یافته و توسعه نیافته تقسیم می شوند. واژه توسعه بعد از جنگ جهانی دوم و بالاخص بعد از دهه ۱۹۵۰ در عرصه بین المللی مطرح شد و به عنوان ابزاری برای تبیین و تشخیص میزان پیشرفت جوامع انسانی بکار برده شد. پس از پایان عصر استعمار در اواخر دهه ۱۹۶۰ به تدریج جامعه بین المللی به این نتیجه رسید که توسعه عنصر اساسی ارتقاء منافع مشترک است و اهداف دیگر جامعه بین المللی تنها زمانی قابل نیل خواهند بود که افراد در کل جوامع بشری به سطح قابل قبولی از توسعه دست یافته باشند»، توسعه در بدو طرح آن در دهه ۱۹۶۰ از پیچیدگی امروزی به دور بود و تنها الگویی برای حرکت جوامع مختلف برای نیل به رشد اقتصادی بالا و ویژگی های کشورهای توسعه یافته جهان شامل کشورهای اروپای غربی و آمریکای شمالی بود که اکثریت مردم آنجا از استانداردهای بالای زندگی برخوردار بودند. از اواخر دهه ۱۹۸۰، پارادایم جدیدی در عرصه توسعه تحت عنوان توسعه پایدار شکل گرفته است. مفهوم توسعه پایدار داری سه بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی است. در بعد زیست محیطی، تامین و تضمین حق توسعه اقتصادی و اجتماعی بایستی بنحوی باشد که با اصول و قواعد اساسی زیست محیطی منطبق باشد. (قدوسی، ۱۳۹۹) حقوق بین الملل اقتصادی در مفهومی موسع، زیر مجموعه ای از حقوق بین الملل عمومی و دربردارنده قواعدی از حقوق بین الملل عمومی است که مستقیماً به مبادلات اقتصادی میان تابعان حقوق بین الملل مربوط می گردد، ولی از طرف دیگر بعضی از حقوق دانان، حقوق بین الملل اقتصادی را از حقوق بین الملل عمومی مجزا دانسته، معتقدند که حقوق بین الملل اقتصادی دارای نظام خاصی است و به عنوان رشته ای مستقل از حقوق بین الملل عمومی در دانشکده های حقوق ارائه می گردد. بسیار روشن است که در دنیای امروز مفهوم عینی حقوق بین الملل عمومی در ارتباطات اقتصادی بین تابعان حقوق بین الملل متجلی می گردد و همان گونه که پرفسور هومن فلدنر عنوان نموده است. (هادوی، ۱۳۹۹)

انفکاک و جدایی حقوق بین الملل اقتصادی از حقوق بین الملل عمومی در تداوم روابط مسالمت آمیز اقتصادی میان تابعان حقوق بین الملل عمومی مشکل ساز خواهد بود؛ چه آنکه روابط مسالمت آمیز میان تابعان حقوق بین الملل عمومی تا حدود زیادی مستقیماً در مبادلات اقتصادی آنان بستگی دارد. چنین به نظر می رسد که این دیدگاه با رویکرد کمیسیون حقوق بین الملل نیز انطباق دارد. هر چند کمیسیون حقوق بین الملل می پذیرد، پیدایش نظام های حقوقی خود بسنده و در موضوع بحث ما حقوق بین الملل اقتصادی مشکلاتی را در یکپارچگی قواعد حقوق بین الملل به وجود آورده است، اما تاکید دارد که انواع جدید قواعد حقوقی تخصصی برحسب اتفاق پدید نیامده؛ بلکه در پاسخ به نیازهای کارکردی و تکنیکی بوده است... برای موثر بودن

قواعد یک نظام حقوقی نوین، وجود انواع جدیدی از شرایط معاهداتی یا رویه ها لازم است که لزوماً با حقوق بین الملل عام یا سایر گرایش های تخصصی منطبق نیست.

### توسعه و توسعه پایدار در حقوق بین الملل

اگرچه حقوق بین الملل توسعه بعنوان یک شاخه مستقل حقوق بین الملل بعد از جنگ جهانی دوم ظاهر شده است، ولی تا به امروز توافق دقیقی در خصوص محتوی آن وجود نداشته است. حقوق بین الملل توسعه صرفاً بعنوان حقوق مرتبط با توسعه بین المللی قلمداد نمی شود. این حق شامل نه تنها حق بر توسعه، بلکه همچنین شامل مواردی نظیر حاکمیت دائمی روی منابع طبیعی، توسعه پایدار، موافقت نامه های تجارت جهانی و می باشد. کار کرد حقوق بین الملل توسعه که با حقوق و تعهدات کشورها و سایر بازیگران بین المللی در فرایند توسعه ارتباط دارد، تامین نیازهای توسعه ای خاص دنیای در حال توسعه از طریق ایجاد یک سری استانداردهای هنجاری دوجانبه در روابط اقتصادی بین المللی در میان کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته و همچنین میان کشورهای با سطوح مختلف توسعه در میان کشورهای در حال توسعه می باشد. بنابراین حقوق بین الملل توسعه دربردارنده استانداردهای هنجاری متفاوت به لحاظ سطح توسعه بوده و منجر به تکثر هنجاری می شود. با این حساب تعاریف مختلفی از حقوق بین الملل توسعه می تواند مطرح باشد. (قدوسی، ۱۳۹۹)

### ظهور حقوق بین الملل توسعه پایدار

حقوق بین الملل توسعه در تحول از سمت مفهوم توسعه اقتصادی به سمت توسعه انسانی نهایتاً به ایده حقوق بین الملل توسعه پایدار نائل شده است. این مفهوم که حاصل تغییر پارادایم در حوزه حقوق بین الملل می باشد تأثیرات قابل توجهی در ادبیات توسعه و کارکردهای نهادهای متولی توسعه به همراه داشته است.

### تعریف حقوق بین الملل توسعه پایدار

ابتداءً لازم است مفهوم پایداری در اصلاح توسعه پایدار بیشتر روشن شود. به لحاظ لغوی مفهوم پایداری به دو دلیل نبایستی با مفهوم ثابت یکی تلقی شود. اولاً همه پدیده های اجتماعی طبیعتاً همواره در حال تغییر و تحول هستند. مطمئناً تثبیت متغیرها و ماهیت متحول پدیده های اجتماعی هم غیرممکن و هم نامطلوب است. ثانیاً، توسعه نیز ماهیتاً نمی تواند ثابت قلمداد شود. توسعه ذاتاً با تغییر و تحول مثبت همراه است. لذا پایداری می تواند به معنای فرایند مداوم و مستمر بهبود سیستم اقتصادی-اجتماعی و زیست محیطی تعریف شود. برای رفع این ابهام برخی معتقدند که بایستی به جای توسعه پایدار از اصطلاح پایداری توسعه استفاده نمود.

توسعه پایدار به لحاظ اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و... قابل تعریف می باشد. مطابق با رویکرد زیست محیطی، پایداری عبارت است از عدم کاهش کیفیت زیست محیطی در بلند مدت و مطابق با رویکرد اقتصادی، عبارت است از عدم کاهش رفاه فردی در بلند مدت اما متداول ترین و تثبیت شده ترین تعریف از توسعه پایدار تعریفی است که کمیسیون برونتلند ارائه نموده است برطبق تعریف کمیسیون برونتلند توسعه پایدار، توسعه ای است که نیازهای نسل حاضر را بدون لطمه به توانایی نسل های آتی در تامین نیازهای خود بر آورده سازد. (افشار، ۱۳۹۸)

### رویکرد اصل توسعه پایدار

اصل توسعه پایدار به عنوان یک اصل پیشرو و بنیادین در حقوق بین الملل توسعه و محیط زیست به لحاظ ماهوی دارای اصول، ابعاد و اجزایی می باشد که در ترسیم و تبیین ایده کلی توسعه پایدار و نحوه تعاملات آن با سایر حوزه های حقوق بین الملل واجد اهمیت است. به هر حال، وابستگی متقابل اقتصادی در حقوق بین الملل اقتصادی و بویژه در سازمان های بین المللی اقتصادی، آن قدر قوی است که در هر تفسیری از حقوق بین الملل اقتصادی اولویت را باید به وابستگی متقابل دولت ها داد، نه به حاکمیت آنها، از طرف دیگر، وابستگی متقابل اقتصادی دولت ها از نظر اقتصادی بر حاکمیت اقتصادی آنان لطمه ای وارد نمی کند. میثاقین سیاسی و اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی بین المللی به صراحت اعلام می کند همه ملت ها می توانند برای رسیدن به اهداف خویش ثروت ها و منابع طبیعی خود را آزادانه در اختیار گیرند. طبیعی است این ادعا را باید در قلمرو الزامات و قید و بندهای ناشی از حاکمیت نسبی قرار داد. (شمسایی، ۱۳۸۵)

### اجزا و اصول توسعه پایدار

اجزاء توسعه پایدار به دو دسته عناصر هنجاری و شکلی قابل تقسیم است. گروه اول شامل آن عناصری است که به نظر می رسد در مفهوم توسعه پایدار ذاتی است. این اصول شامل حق فرانسلی و بین النسل، اصل استفاده پایدار، اصل ادغام محیط زیست و توسعه می شود. دسته دوم شامل عناصر شکلی مثل حق بر اطلاعات، حق بر مشارکت در فرایندهای تصمیم گیری، ارزیابی های زیست محیطی و حق بر جبران خسارت کافی می باشد. از این رو اصل توسعه پایدار هم دارای عناصر هنجاری می باشد که بنیان های آن را شکل می دهد و هم یک سری اصول شکلی که نحوه اجرای آن اصول هنجاری را فراهم می سازد. (ناظمی، ۱۳۹۸)

### بهره برداری از منابع طبیعی در جهت توسعه

بخش اعظم حقوق بین الملل اقتصادی به تنهایی با وجوه حقوقی توسعه اقتصادی در ارتباط است، ولی تا همین اواخر اصل پایداری در توسعه اقتصادی و یا ضرورت محافظت از منابع طبیعی کره

خاکی در متون حقوق بین الملل اقتصادی جایی نداشت، نفت، گاز، آب، فسفات و یا سایر ذخایر طبیعی یک کشور به عنوان یک کالای تجاری که باید برای توسعه اقتصادی، تماماً مورد بهره برداری قرار گیرد، مورد توجه بودند. در مورد حداکثر استفاده از منابع طبیعی توسط دولت‌ها در جهت توسعه اقتصادی پیش زمینه‌هایی تاریخی وجود دارد. در خلال انقلاب صنعتی کشورهای صنعتی از منابع طبیعی شان برای توسعه حداکثر استفاده را می‌کردند. در جریان استعماری نیز، کشورهای استعمارگر به بهره برداری ظالمانه‌ای از منابع طبیعی کشورهای مستعمره خود دست زدند. با خاتمه جنگ جهانی دوم، این کشورها سرزمین‌های تحت استعمار خود را از دست دادند، ولی با برنامه‌ریزی زیرکانه‌ای همچنان به منابع طبیعی کشورهایی که سابقاً مستعمره آنان بودند، دسترسی داشتند. با این حال کشورهای تازه استقلال یافته نیز در روندی برای دفاع از استقلال خود به پیروی از استقلال سیاسی قرار گرفتند و لذا ادعای حاکمیت دایم بر منابع طبیعی خود و نیز آزادی بهره برداری از آن را با توجه به سیاست‌های اقتصادی و توسعه‌ای خود، مطرح نمودند و این شاید بدین لحاظ بود که حقوق بین الملل توسعه در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ به عنوان جزیی از حقوق بین الملل اقتصادی مطرح گردید. (سلیمی، ۱۳۹۲)

### سوابق تحقیق

قدوسی (۱۳۹۹) پژوهشی با هدف بررسی جایگاه اصل توسعه پایدار در حقوق بین الملل ناظر بر تغییرات اقلیمی انجام داد و به این نتیجه دست یافت که اصول توسعه پایدار بطور مستقیم، در میان اصول حقوق بین الملل محیط زیست بیشتر از مفاهیم به چشم می‌خورد. در عین حال با وجود پیشرفت‌های حاصله در خصوص ادبیات توسعه پایدار در حقوق بین الملل، به دلیل اینکه مفاد این اصول عمدتاً در حقوق قوام یافته و عملاً بنا به اذعان اسناد مهم در این زمینه مبنی بر اولویت توسعه اقتصادی بر توسعه زیست محیطی و اجتماعی، سیاست‌های توسعه پایدار با مشکلات عملی مواجه شده است.

افشاری و همکاران (۱۳۹۸) پژوهشی با هدف بررسی جایگاه حقوق بین الملل در توسعه پایدار و نقش آن در چشم‌انداز ۱۴۰۴ انجام دادند و به این نتیجه دست یافتند که توسعه پایدار، مفهومی است که نزدیک به سه دهه پیش، کمیسیون برون‌تلد آن را طرح کرد و اکنون در حوزه‌های مختلف حقوق بین الملل رسوخ نموده است. توسعه پایدار در فرآیندهای توسعه و از طریق تعامل میان سه بعد توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و توسعه زیست محیطی حقوق بین الملل توسعه را به سمت حقوق بین الملل توسعه پایدار رهنمون ساخته است. با وجود پیشرفت‌های حاصله در خصوص ادبیات توسعه پایدار در حقوق بین الملل، از یک سو به دلیل مفاد این مفهوم عمدتاً در حقوق قوام نیافته مطرح بوده و عملاً بنا به اذعان اسناد مهم در این زمینه مبتنی بر اولویت توسعه اقتصادی بر توسعه زیست محیطی و اجتماعی سیاست‌های توسعه پایدار با شکست مواجه شده است.

روح نواز و همکاران (۱۳۹۷) پژوهشی با هدف بررسی حقوق بین الملل اقتصادی و اصل توسعه پایدار به این نتیجه دست یافتند که تحقق امر توسعه پایدار در سال های اخیر بیشترین تاثیر را بر توسعه حقوق بین الملل اقتصادی داشته است. مفهوم توسعه پایدار به عنوان پلی وجوه توسعه ای حقوق بین الملل اقتصادی را به ملاحظات زیست محیطی متصل نموده است، ولی به هر حال، حقوق بین الملل اقتصادی بدون توجه خاص به ضرورت محافظت از منابع طبیعی و ایده توسعه پایدار توسعه یافته است، ولی توسعه پایدار به دنبال افزودن بعد پایدار به اصول حقوق بین الملل اقتصادی و حاکمیت دولت ها بر منابع طبیعی شان است. در حالی که اصل آزادی در بهره برداری و حاکمیت دایمی دولت ها بر منابع طبیعی شان به عنوان یک اصل حقوقی لازم الاجرا محترم شمرده می شود، اصل توسعه پایدار هم به تبیین اصل نخست می پردازد.

نادری و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی با هدف بررسی روش های اجرای اهداف توسعه پایدار در منطقه خلیج فارس از منظر حقوق بین الملل محیط زیست انجام دادند و به این نتیجه دست یافتند که حقوق محیط زیست ابزار مهمی برای نظارت و مدیریت توسعه پایدار است؛ پایداری توسعه در کشورها اعم از فقیر و غنی، صنعتی و غیر صنعتی، مفهوم توسعه پایدار را از چارچوب مرزهای ملی فراتر برده و در قالب نظام حاکمیت جهانی، قابل ارزیابی و تحلیل است. هدف از مطالعه موردی خلیج فارس در این نوشتار، اهمیت خاص این منطقه از لحاظ وجود منابع عظیم انرژی های تجدیدناپذیر به خصوص نفت، گاز و شرایط خاص زیست محیطی به ویژه بسته بودن این خلیج، عبور کشتی های نفتکش، بهره برداری خارج از استاندارد جهانی و دور از انتظار با بررسی اجرای شاخص های توسعه پایدار در حوزه حقوق بین الملل محیط زیست، به دنبال آرایه راهکاری صحیح برای حفاظت از خلیج فارس بود. در این رهگذر شاخص های اقتصادی، اجتماعی، محیطی، سه رکن اساسی توسعه پایدار هستند و تمامی این شاخص ها، حقوق بین الملل محیط زیست در خلیج فارس را تحت تاثیر قرار می دهد.

سلیمی ترکمانی (۱۳۹۲) پژوهشی با هدف بررسی مفهوم توسعه پایدار در گستره حقوق بین الملل انرژی انجام داد و به این نتیجه دست یافت که توسعه پایدار با ابعاد سه گانه خود یعنی توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و توسعه زیست محیطی، حقوق بین الملل انرژی را نیز به تدریج تحت تاثیر قرار داده است. در بستر این تحولات، مفهوم انرژی پایدار مطرح شده که عمده محال چالش توسعه اقتصادی و رعایت ملاحظات زیست محیطی است. جامعه بین المللی در تضمین دستیابی به توسعه پایدار در حوزه انرژی با چالش اساسی افزایش میزان دسترسی به انرژی های کارآمد و تجدیدپذیر مواجه است؛ چالشی که حقوق بین الملل انرژی، علیرغم توسعه های مطلوب، تا به حال نتوانسته آن را حل نماید.

سلیمی ترکمانی (۱۳۹۱) پژوهشی با هدف بررسی حقوق بین الملل توسعه پایدار: از آرمان تا واقعیت انجام داد و در این پژوهش به این نتیجه دست یافت که با وجود پیشرفت های حاصله در خصوص ادبیات توسعه پایدار در حقوق بین الملل، از یک سو به دلیل اینکه مفاد این مفهوم عمده در حقوق قوام نیافته مطرح بوده و عملاً بنا به اذعان اسناد مهم در این زمینه مبنی بر اولویت

توسعه اقتصادی بر توسعه زیست محیطی و اجتماعی سیاست های توسعه پایدار با شکست مواجه شده است، خلاء قابل توجهی در رویکرد نظری و عملی به توسعه پایدار در حقوق بین الملل توسعه وجود داشته و حقوق بین الملل توسعه پایدار حقوق آرمان تلقی می شود تا حقوق واقعی.

### چالش تعامل ابعاد سه گانه توسعه پایدار

تا اواخر قرن بیستم این باور مطرح بود که توسعه می تواند به هر قیمت و بدون لحاظ سایر اولویاتها حاصل شود و از این حیث هیچ مانعی بر سر راه توسعه قابل تصور نیست. این وضعیت حاکی از نگاه تک بعدی اقتصادی به مقوله توسعه بود که به قیمت نادیده انگاری سایر مولفه های توسعه پایدار تمام می شد. این در حالی است که به تدریج این باور دستخوش تحول شد بنحوی که برطبق اسناد سازمان ملل متحد امروزه توسعه پایدار در بردارنده سه بعد اساسی اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی می باشد. لذا توسعه ای که تنها به قصد تامین رشد اقتصادی باشد نهایتاً نمی تواند به توسعه پایدار منجر شود. توسعه پایدار همانند مثلثی است که اضلاع سه گانه آن توجه همزمان به اقتصاد، حقوق بشر و محیط زیست است. در واقع سه قطب اصلی پایداری در مفهوم توسعه پایدار عبارتند از: مردم (بعد اجتماعی)، کره زمین (بعد زیست محیطی) و سود بعد (اقتصادی)» به این ترتیب، پیش شرط های تحقق توسعه پایدار، توسعه اقتصادی، توجه به استانداردها و سیستم های حمایت از محیط زیست و نهایتاً احترام به حقوق بشر است. امروزه چالش اساسی برای سیاست های توسعه پایدار، پذیرش تعامل این سه بعد و تنظیم تعادل لازم میان آنهاست. در چارچوب مفهوم توسعه پایدار ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی به دلیل روابط تنگاتنگ و تعاملات گسترده به صورت یک پیکره واحد یا نظام یکپارچه عمل کرده یا واکنش نشان می دهند. بطور مثال «تقریباً هیچ فعالیت اجتماعی بدون تاثیر گذاری در قلمرو اقتصادی نخواهد بود و هیچ فعالیت اقتصادی بدون تاثیر گذاری در قلمرو اجتماعی و زیست محیطی نخواهد بود». این مسأله دلالت بر این دارد که مثلاً برای ارتقاء جایگاه محیط زیست بایستی تا حدودی از موضوعات اقتصادی گذشت و بر عکس. البته حل این مسأله خیلی هم آسان نیست چراکه «نیل به توسعه پایدار به لحاظ سیاسی حساس و به لحاظ اقتصادی مشکل است» از این رو دولتها با چالش پیچیده های در یافتن تعادل مطلوب میان تقاضای فزاینده به استفاده از منابع طبیعی و اجتماعی بدون قربانی کردن پیشرفت اقتصادی مواجه هستند. دولت ها وسوسه می شوند همیشه اولویت های توسعه ای را بر ملاحظات زیست محیطی ترجیح دهند. اگر دولت ها بتوانند میان ابعاد اقتصادی و زیست محیطی توسعه تعادل ایجاد کنند آن وقت توسعه و محیط زیست نه تنها مغایر هم نخواهند بود بلکه مکمل هم نیز خواهند بود. این همان ایده توسعه پایدار است، توسعه اقتصادی اگر به درستی صورت گیرد مشکلی برای پایداری محیط زیست ایجاد نمی کند. در عین حال اتخاذ خط مشی های مطلوب برای حفاظت از محیط زیست هم مانع توسعه اقتصادی نخواهد بود. اما توسعه اقتصادی که محیط زیست را تخریب نموده یا منجر به استفاده گسترده از منابع طبیعی به ضرر نسل های آتی شود توسعه پایدار نخواهد بود. به نظر می رسد در

حالی که مفهوم و ایده توسعه پایدار، که به زعم برخی مهمترین موضوع عصر ماست، بطور گسترده مورد قبول واقع شده و پیشرفت های قابل توجهی در این زمینه حاصل شده است، هنوز نیل به توسعه پایدار و وحدت سه حوزه توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و حمایت زیست محیطی با چالش مواجه است.

### نتیجه گیری

گزارش کمیته جهانی محیط زیست و توسعه یا آنگونه که بین مردم مشهور شده «کمیسیون براندلند» عبارت توسعه توسعه پایدار را جنبه عمومیت داد و حق توسعه اقتصادی دولتها را با تعهد آنها در عنایت ویژه به آسیب محیط زیستی ناشی از فعالیت های اقتصادی آنها، در هم ادغام نمود. به عبارت دیگر، ابداع این مفهوم باید به ابزار تعادلی بینجامد که بین حق دولت ها در استفاده با بهره برداری از منابع طبیعی با توجه به سیاستهای توسعه ای خود و تعهد ذاتی شان در محافظت از محیط زیست در برابر فعالیت های اقتصادی، وجود داشته باشد. کمیسیون اصطلاح «توسعه پایدار» را چنین تعریف می کند. توسعه ای که نیازهای امروز را بدون به مخاطره انداختن توانایی نسل های آتی در تامین نیازهایشان، برآورد می کند. از نظر کمیسیون، توسعه اقتصادی که محیط زیست را به تحلیل ببرد یا بهره برداری مفرط از ذخایر طبیعی را در وارد کردن خسارت به نسل های آینده موجب شود، یک توسعه پایدار محسوب نمی شود. از این رو، تصور بر این بود که ضرورت حفاظت و استفاده معقول از منابع طبیعی یک کشور، در وفاق با محیط زیست و نسل های آینده ذاتا در مفهوم «توسعه پایدار» وجود دارد. در پی زمینه سازی های اصولی کمیته برانتلند در عرصه های مفاهیمی چون توسعه پایدار، ناظر بر بحث های زیست محیطی و قانونمند شدن مباحث مذکور در مباحث حقوق بین الملل اقتصادی سازمان ملل به سال ۱۹۹۲ در ريو تصميم گرفت کنفرانس ویژه ای در خصوص محیط زیست و توسعه تشکیل دهد. علی رغم کنفرانس استکهلم که تنها بر موضوع محیط زیست انسانی متمرکز بود، در کنفرانس ريو قصد بر این بود که هر دو موضوع «محیط زیست» و «توسعه» پرداخته شود تا اهمیت عناصر تازه متجلی در پیکره معنایی این دو مفهوم را نمایش دهد. اعلامیه ريو مصوب کنفرانس ريو بزرگترین کنفرانسی که در طول تاریخ روابط بین المللی تشکیل یافته، در اصل (۱) این نکته را که بشر در مرکز توجهات توسعه پایدار قرار دارد، اعلام نمود. اصل (۲) اعلامیه به دنبال این بود که هر دو حق حقوق بین الملل اقتصادی دولت ها را در بهره برداری از منابع آن پیرو سیاست های توسعه ای خود و تعهد حقوق بین الملل محیط زیست برای اطمینان از این امر فعالیت های که در قلمرو و یا تحت نظارت آنان آسیبی به محیط زیست سایر دولت ها و یا نواحی فرامرزی قلمرو ملی آنها نمی رساند، به رسمیت بشناسد. بدین ترتیب، حقوق به گونه ای که امروز استقرار می یابد، مواردی خاص از استفاده و بهره برداری از منابع را در یک روال متوازن و پایدار قاعده مند می کند. طی چهل سال گذشته، تحولی مهم، بویژه در دسترسی ما به منابع طبیعی و استفاده و بهره برداری از آن اتفاق افتاده در حالی که اصل آزادی در بهره برداری از منابع طبیعی و ثروتهای ملی و

حاکمیت دائمی بر آنها به عنوان یک اصل حقوقی لازم الاجرا محترم شمرده می شود، اصل توسعه آن هم به صورت پایدار به تبیین ابعاد اصل نخست پرداخته است.

در این روند نیز توسعه و تحول تدریجی حقوق بین الملل مشهود است. به صورت خلاصه می توان گفت خط سیری که تا روزگار ما ادامه یافته است، از حق حاکمیت دائم بر منابع طبیعی آغاز می شود؛ بدین ترتیب بازیگران عرصه بین المللی اقدامات گسترده ای را برای بهره مندی از مواهب طبیعی آغاز می کنند، بی آنکه ملاحظات زیست محیطی را مدنظر قرار دهند. نتیجه آن است که باور به یکپارچگی محیط زیست امری که بعدها توسط دیوان بین المللی دادگستری در رای مشروعیت تهدید یا توسل به استفاده از سلاح های هسته ای مورد تاکید قرار گرفت. در آن روزگار از جایگاهی برخوردار نبوده است. بروز و ظهور آثار سوء زیست محیط نخستین واکنش ها را در حقوق نرم به دنبال داشت. طبق اصل حاکمیت سرزمینی این استدلال نیز پذیرفته شد که اقدامات دولت ها در استفاده از منابع طبیعی خود نباید به آسیب محیط زیست دیگر کشورها منجر شود. پس از آن بود که مفهوم توسعه پایدار پدید آمد تا تلفیقی را یمن حوزه های مختلف حقوق بین الملل فراهم آورد. این مفهوم که در طول حیات خود، به شفافیت رسید و در جایگاهی بهره برداری همراه با امکان تجدید منابع و یا مدیریت منابع تجدیدناپذیر تثبیت شد امروزه حقوق بین الملل در صدد آن است که پس از تکمیل مبانی نظری مورد نیاز راه را برای ایجاد تعهدات حقوقی مستحکمی فراهم آورد تا دولتها را به تضمین جدی تر توسعه پایدار ترغیب نماید. طبیعی است مقاومت هایی در راه خواهد بود. با این حال دیوان بین المللی دادگستری در سال ۱۹۹۸ اعلام نمود دست کم در بیست سال گذشته حمایت از منافع زیست محیطی به منفعت اساسی تمامی دول بدل شده است. وقت آن رسیده است تا این منفعت اساسی به گونه ای شایسته حمایت شود. همانگونه که به درستی کنفرانس ۲۰۰۵ میلادی تصریح نموده، توسعه پایدار باید به عنوان امری با فرایند جمعی و جهانی جهت تغییرات اساسی به سوی ارتقای زندگی نوع بشر در بهره مند شدن از کیفیت در نوع زندگی در زمینه های اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی به شکلی که تغییرات مستمر و دائمی باشد، به کار گرفته شود که طبعاً با تحقق چنین وضعیتی حقوق بین الملل اقتصادی نیز به شرحی که تعریف و توصیف گردید حقوقی موثر و جوابگو بوده، نقش اساسی خود را ایفاء خواهد نمود.

روند تکاملی حقوق بین الملل توسعه به عنوان مقررات، اصول و قواعد فراملی ناظر بر ابعاد فرامرزی توسعه، بعد از جنگ جهانی دوم و با برگزاری کنفرانس برتوون وودز آغاز شده و با طرح ایده نظم نوین اقتصادی، برابری جبران ساز و صدور اعلامیه حق بر توسعه و منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولت ها تداوم یافته است. در این حوزه نیز توسعه سازمانی در کنار توسعه هنجاری رخ داده و با ایجاد برنامه توسعه سازمان ملل متحد، سازمان توسعه صنعتی ملل متحد و کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد تجارت و توسعه روند رو به رشدی حاصل شده است. از اواخر دهه ۱۹۷۰ به تدریج در بستر تحولات صورت گرفته در حوزه توسعه، زمینه های تحول مفهومی در حوزه حقوق بین الملل توسعه ایجاد شده است. تحولات مفهومی در این حوزه از سمت

توسعه اقتصادی به سمت توسعه پایدار بوده است که از طریق ایجاد پیوند با سایر حوزه های حقوق بین الملل نظیر حقوق محیط زیست و حقوق بشر توانسته به طور کلی پارادایم متفاوتی در حوزه حقوق بین الملل ایجاد نماید. مفهوم توسعه پایدار به عنوان محصول ارزشمند گزارش کمیسیون برونتلند در سال ۱۹۸۷ توسعه را از سمت توسعه صرفاً اقتصادی به سمت توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی رهنمون ساخته است. حقوق بین الملل توسعه پایدار به لحاظ نظری با ادغام سه بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی توسعه با یکدیگر می تواند همزمان دربردارنده اصول زیست محیطی نظیر اصل احتیاط و اقدامات پیشگیرانه، اصول اجتماعی مثل انصاف فرانسلی و بین النسل و اصول اقتصادی مثل کاهش فقر و افزایش رفاه اقتصادی باشد. با وجود پیشرفت های حاصله در این خصوص و ادعای تثبیت پارادایم توسعه پایدار در حوزه حقوق بین الملل توسعه، با بررسی برخی از مصادیق حقوق بین الملل توسعه به نظر می رسد حقوق بین الملل توسعه پایدار بنا به دلایل زیر تا به امروز آرمان است تا واقعیت. اولاً؛ مفهوم توسعه پایدار عمدتاً در قالب اسناد غیر الزام آور و حقوق قوام نیافته آمده و از قوام و الزام کافی برخوردار نیست؛ هر چند این اسناد می توانند در آینده زمینه های تثبیت حقوق بین الملل توسعه پایدار را فراهم سازند. ثانیاً؛ با توجه به اینکه همچنان تولید ناخالص ملی و سایر شاخص های اقتصادی مبنای اصلی ارزیابی نیل به پایداری در حوزه توسعه قلمداد می شود نمی توان ادعا نمود تغییر پارادایمی که از سمت توسعه اقتصادی به سمت توسعه پایدار (اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی) صورت گرفته است تثبیت شده است. ثالثاً؛ چالش ایجاد تعادل میان ابعاد سه گانه توسعه پایدار برای کلیه کشورها به دلیل نیازها و ملاحظات اقتصادی، عملاً به سمت اولویت داده های اقتصادی بر داده های اجتماعی و زیست محیطی در جریان است. با وجود چنین شرایطی جامعه بین المللی در نیل به توسعه پایدار واقعی نیازمند تلاش مضاعف در بعد هنجاری و سازمانی می باشد.

## منابع و مراجع

- شمسایی، محمد، حقوق بین الملل اقتصادی و اصل توسعه پایدار، مجله پژوهش حقوق و سیاست، س ۸، ش ۱۳۸۵، ۱۹.
- موسوی، فضل ا.. حقوق بین الملل محیط زیست، نشر میزان، ۱۳۸۰، ص ۱۴۹
- ناظمی، مهرداد، دریای خزر و حقوق بین الملل: گزینه های متفاوت با توجه به آرای مختلف دیوان بین المللی دادگستری. مجله حقوقی. ۱۳۸۹، ش ۲۶.
- هوهن فلدرن، آیگتانس، حقوق بین الملل اقتصادی، ج ۴. ترجمه سید قاسم زمانی، موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۰.
- سلیمی ترکمانی، حجت (۱۳۹۲). مفهوم توسعه پایدار در گستره حقوق بین الملل انرژی. مجله حقوقی بین المللی، شماره ۴۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۲. صفحات ۱۶۶-۱۴۵.
- نادری، شیما؛ افشاری، مریم؛ فرشچی، پروین؛ پورهایمی، سیدعباس (۱۳۹۹). روش های اجرای اهداف توسعه پایدار در منطقه خلیج فارس از منظر حقوق بین الملل محیط زیست.
- مژده قدوسی (۱۳۹۹). جایگاه اصل توسعه پایدار در حقوق بین الملل ناظر بر تغییرات اقلیمی. پژوهش ملل اردیبهشت ۱۳۹۹ شماره ۵۲
- افشاری، مریم؛ گنجی، محمدبصیر (۱۳۹۸). بررسی جایگاه حقوق بین الملل در توسعه پایدار و نقش آن در چشم انداز ۱۴۰۴، کنفرانس ملی حقوق، رشت
- Atmanand, Amit K. Gupta, Energy and Sustainable Development-An Indian Perspective, World Academy of Science, Engineering and Technology, Vol. 54, 2009.
- Alan Boyle, «Codification of International Environmental Law and the International Law Commission, Injurious Consequences Revisited», in International Law and Sustainable Development, Alan Boyle and David Freestone (eds.), New York, Oxford University Press, 2001, p.1.
- Brierly, L., «International Law as Law», in Cases and Materials, International Law, Its Perspective and Achievements, David Harris, Oxford, Oxford University Press, 1988, p.3.
- cofer, Meeting of the Organization for Economic Co-operation and Development Council at Ministerial Level, 2006, op. cit., pp.1-26.
- Drexhage, John and Deborah Murphy, Sustainable Development: From Brundtland To Rio 2012, Background Paper Prepared For Consideration By The High Level Panel On Global Sustainability At Its First Meeting, 19 September 2010